ماهنامه سینمایی
برش کوتاه
سال دوم - شماره هفتم
۲۵ بهمن ۱۳۹۹ - قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مختصر و مفید از
مهم ترین فیلم های
سی و نهمین
جشنواره فیلم فجر

گفت و گوی جمعی پیرامون چند فیلم جشنواره سی و نهم فیلم فجر

با حضور
- شادی حاجی مشهدی
- مجتبی اردشیری
- سیدحسام فروزان
- محمد بزرگ
- احمد شاهوند

با نگاهی به فیلم های
رمانتیسم عماد و طوبا
روزی روزگاری آبادان
بی همه چیز
ستاره بازی
شیشلیک
خط فرضی
گیجگاه
روشن
تی تی
زالاوا
ابلق

بهترین های
جشنواره سی و نهم
به انتخاب منتقدان
و نویسندگان
«برش های کوتاه»

مروری بر مهم ترین
خطاهای داوری تاریخ
جشنواره فیلم فجر
در بخش بازیگری

الناز شاکردوست در نمایی از فیلم «تی تی»
فیلم برگزیده نویسندگان «برش های کوتاه»

کافه کیک

ارغوان

- برگزاری ورکشاپ های تخصصی دکوراتوری کیک
- برگزاری کلاس های مجازی قنادی
- ارائه آموزش های ویدئویی رایگان قنادی و آشپزی
- طراحی و اجرای کیک های خاص
- آموزش نقاشی روی فوندانت

Arghavan_CafeCake

۰۹۱۲ ۲۶۱ ۸۰۶۴

انواع ماسک های پارچه ای ۳ لایه

با تنوع رنگ و قیمت بسیار مناسب با ضمانت استفاده از بهترین پارچه ها

جهت سفارش به آدرس اینستاگرام **Rozhan_store8** مراجعه کنید

و یا با این شماره تماس بگیرید: ۰۹۳۷۱۹۰۹۳۳۴

نما ۳۰

WWW.NAMA30.IR

نمایی تازه به هنر هفتم

پایگاه خبری تحلیلی

90ALBORZ.IR

نبض ورزش استان

در دستان ماست

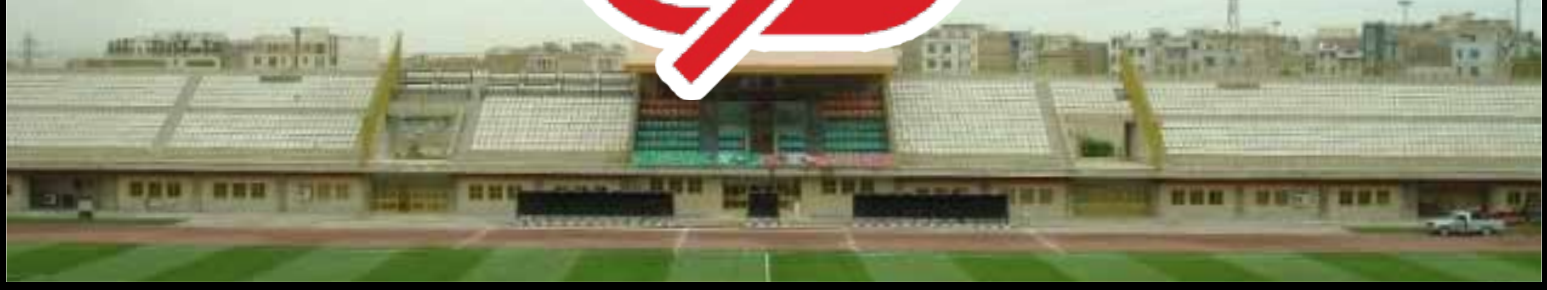

تیکمه

(به زبان ترکی یعنی دوختنی)

سفارش و دوخت انواع سرویس آشپزخانه

شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۰۵۸۰۱ (ایرانپور)

Cahiers du Feminisme
سایت سینمایی «کایه دوفمینیسم»
به سردبیری نزهت بادی
بر مطالعات و تحلیل های پیرامون مسائل
زنان در سینما تمرکز دارد
cahiersdufeminisme
cahiers_du_feminisme
cahiersdufeminisme.com

دست سازه های سرامیکی
گروه آپامه
apamehceramic.ir
apamehceramic
98919-004826

همه آنچه از سینما می خواهید
wiki30nema

کودک نابغه
مرجع تخصصی بازی های فکری و آموزشی
www.geniuskid.ir
کودک نابغه
geniuskid.ir
geniuskidir

ماهنامه سینمایی
برش های کوتاه
سال دوم - شماره هفتم - ۲۵ بهمن ۱۳۹۹

■ **صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:**
احمد شاهوند

■ **تحریریه:**
مجتبی اردشیری، محمد بزرگ، نیما بهدادی مهر، شادی حاجی‌مشهدی، وحید فرازان، سیدحسام فروزان، زرنوش محمدی، مرسده مقیمی، شبیر نعلبندیان و علی نعیمی

■ **با تشکر از همراهی:**
فائز حسینی، سیدرضا صائمی، احسان ناظم‌بکایی، سعیده نیک اختر

■ **عکس ها:**
بهار عسگری، مهدی قاسمی، معین باقری، شیما مسجدی

■ **طراحی و صفحه آرایی:**
وکتورگرافیک (اینستاگرام: Vector_Graphic_ir)

■ **وب سایت:**
www.shortcutsmag.ir
■ **شبکه های مجازی (تلگرام و اینستاگرام):**
@shortcutsmag

■ **چاپ:** کهن
■ **نشانی دفتر:** کرج، شهرک بانک کشاورزی، ابن سینا ۱۴، مجتمع سپهر، واحد ۸
■ **سازمان آگهی ها:** ۰۲۶ ۳۴۵۲۹۰۳۵ - ۰۹۱۲۳۰۴۸۵۱

■ **طراحی لوگو:** آتلیه طراحی لوگو و هویت بصری «امیر»
اینستاگرام و تلگرام: @AmirAtelier

■ مطالب مندرج در ماهنامه «برش های کوتاه» بیانگر دیدگاه نویسندگان آن‌هاست و لزوما بیانگر دیدگاه ماهنامه نیست.
■ ماهنامه «برش های کوتاه» در ویرایش مطالب آزاد است.
■ نقل و انتشار مطالب و عکس های اختصاصی ماهنامه در کتاب و سایر رسانه ها اعم از نشریات، پایگاه های خبری، شبکه‌های اجتماعی و ... با اجازه کتبی از مدیریت ماهنامه و ذکر منبع (ماهنامه «برش های کوتاه») مجاز است.

بنام جزا

■ ناامیدی، تلخی، تباهی و مرگ ... (سرمقاله - احمد شاهوند) / ۶
■ «یدو» فاتح ایستگاه سی و نهم (اسامی کامل برگزیدگان سی و نهمین جشنواره فیلم فجر) / ۷
■ نویسندگان «برش های کوتاه» به روایت تصویر / ۸
■ یک اقتباس خوش ساخت («بی همه چیز» - احمد شاهوند) / ۹
■ سر و شکل خوب («بی همه چیز» - وحید فرازان) / ۹

■ افکار جن زده («زالاوا» - محمد بزرگ) / ۱۰
■ جمع وجور («روزی روزگاری آبادان» - وحید فرازان) / ۱۰
■ زنگ خطر برای توده ها («شیشلیک» - علی نعیمی) / ۱۱
■ شیشلیک با طعم جورج اورول («شیشلیک» - شبیر نعلبندیان) / ۱۱
■ طنز تلخ («شیشلیک» - وحید فرازان) / ۱۱

■ داستان کوتاه و فیلم بلند («ابلق» - وحید فرازان) / ۱۲
■ عقب گرد مطلق («ابلق» - شبیر نعلبندیان) / ۱۲
■ جسارت پوشالی («ابلق» - مرسده مقیمی) / ۱۲
■ انگاره های ناگفته سینمای ایران («تی تی» - محمد بزرگ) / ۱۳

■ صحنه هایی از یک ازدواج («رمانتیسم عماد و طوبا» - شبیر نعلبندیان) / ۱۴
■ رمانتیسم کلیشه ای و کهنگی («رمانتیسم عماد و طوبا» - احمد شاهوند) / ۱۴
■ خط قرضی («خط قرضی» - شبیر نعلبندیان) / ۱۵
■ در جبهه غرب خبری نیست («ستاره بازی» - سیدحسام فروزان) / ۱۵

■ این چند فیلم ... («گفت و گوی جمعی پیرامون چند فیلم جشنواره سی و نهم فیلم فجر» - شادی حاجی مشهدی، مجتبی اردشیری، سیدحسام فروزان، محمد بزرگ و احمد شاهوند) / ۱۶
■ جدول ارزشگذاری نویسندگان بر فیلم های منتخب سی و نهمین جشنواره فیلم فجر / ۲۰
■ بهترین های ایستگاه سی و نهم به انتخاب نویسندگان و منتقدان «برش های کوتاه» / ۲۲
■ سیمرغ محتاط (مهم ترین خطاهای داوری تاریخ جشنواره فیلم فجر در بخش بازیگری - نیما بهدادی مهر) / ۲۶

دستاورد جشنواره سی و نهم

ناامیدی، تلخی، تباهی و مرگ...

سردبیر

سال گذشته حین برگزاری سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، «کرونا» به صورت گسترده در ایران پخش نشده بود اما برخی از دوستان با ماسک جشنواره را سپری کردند.

اما امسال به دلیل شیوع کرونا که همچنان حضوری پررنگ دارد! برخی از دوستان نویسنده و منتقد ترجیح دادند که در خانه بمانند و در این رویداد مهم سینمایی شرکت نکنند و برخی از دوستان هم به شکل گزینشی فیلم ها را تماشا کردند. به‌همین دلیل یادداشت ها نسبت به سال های گذشته، به طرز چشمگیری کاهش داشت و در بخش انتخاب «بهترین ها» هم با کاهش تعداد نویسندگان مواجه بودیم.

شخصا با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی (با دو ماسک) و ضدعفونی کردن دست ها در پردیس ملت و برخلاف سال های گذشته (از سال ۱۳۷۴) به شکلی گزینشی موفق به تماشای ده فیلم شدم.

در ادامه نگاهی خواهم داشت بر چند فیلم. در یادداشت برخی از فیلم‌ها به ناچار، داستان اسپویل شده. به همین دلیل اگر فیلم ها را ندیده اید، خواندن ادامه یادداشت پیشنهاد نمی شود.

برای فیلم های «بی همه چیز» و «رمانتیسم عماد و طوبا» به شکل جداگانه در بخش یادداشت فیلم ها نوشته ام.

«ابلق» (نرگس آبیار)

«ابلق» نرگس آبیار را اصلا و ابدا دوست نداشتم. در تمامی نماهای فیلم، نرگس آبیار خودنمایی می کند. گویی می خواهد توان کارگردانی اش را با حرکات سرسام آور و بلاتکلیف دوربین به شکلی متظاهرانه به رخ تماشاگر بکشاند. فقط حیف و صد حیف از بازی درجه یک هوتن شکیبا در این فیلم زشت و بی‌قواره. بیشتر از دو ساعت در یک محله هستیم، دریغ از ترسیم جغرافیای محله. شاید حدود ده پانزده دقیقه از فیلم، دیالوگ ها شنیده نمی شود. از بس شخصیت های فرعی و اصلی درهم حرف می زنند. پنجاه دقیقه از فیلم گذشته و هنوز نمی دانیم کی به کی است و داستان از چه قرار است! کارگردان از بس حواسش به حرکات دوربینش بوده، یادش رفته که شخصیت‌پردازی کند. یادش رفته که داستانی باید داشته باشد برای روایت کردن.

خانم آبیار که به عنوان یکی از ده کارگردان برتر دهه نود شناخته شد در آخرین سال های این دهه بدجوری راه سقوط را در پیش گرفته است.

«شیشلیک» (محمدحسین مهدویان)

مهدویان در «شیشلیک» به لحاظ ساختار همان است که باید باشد. شکل قرارگیری دوربین همان است که در «ماجرای نیمروز»، «درخت گردو» و «ایستاده در غبار» بود. دوربینی نظاره‌گر که وجه مستند داستان را پررنگ می کند. مهدویان منطقه ای دورافتاده در اطراف تهران را به تصویر می کشد که کاملا نگاهی نمادین به آن داشته است. از نام کارخانه «پشم» و شهدای «گرسنگی» گرفته تا پوشش آدم ها. فیلمنامه امیرمهدی ژوله چفت و بست خوبی دارد و تا انتها تماشاگر را نگه می دارد. مثلث عطاران، صامتی و جمشیدی خیلی خوب جواب داده است. اگر مهدویان بتواند از شروع طولانی فیلمش در تدوین کم کند و سر و شکلی درست و حسابی به آن بدهد، فیلم در گیشه می‌تواند موفق باشد.

«خط فرضی» (فرنوش صمدی)

فرنوش صمدی در «خط فرضی» با یک فیلمنامه بی شخصیت سعی می کند داستانی پرتعلیق تعریف کند. غافل از اینکه تعلیق را شخصیت ها شکل می دهند. شخصیت مرد داستان اصلا و ابدا پرداخت ندارد. اوست که می توانست موتور محرک پرده میانی فیلم باشد. همینطور قهرمان زن داستان که با بی عقلی تمام و به رغم مخالفت همسرش به سفر می رود و بدتر از آن با بی عقلی تمام و بدون توجه به برگه دفن که دلیل مرگ در آن قید شده و این موضوع را هر کسی می تواند بفهمد، سعی کرد دلیل مرگ را طور دیگری جلوه دهد.

«زالاوا» (ارسلان امیری)

ارسلان امیری در اولین فیلم سینمایی‌اش کم و بیش خاطره «سرخپوست» نیما جاویدی را زنده می کند: تاریخ داستان، کلنجار مأمور دولت با آدم ها و محیط پیرامون، ماجرای عاشقانه بی سرانجام و از مهم تر کم ملاط بودن فیلمنامه در بدنه اصلی و البته کارگردانی سرپا و درست و درمون.

بازی نوید پورفرج خوب است اما پوریا رحیمی سام درخشان ظاهر می شود. موسیقی انتخابی، برگ برنده فیلم است. در تمامی لحظاتی که حضور دارد، درخشان است.

«روزی روزگاری آبادان» (حمیدرضا آذرنگ)

اولین ساخته سینمایی حمیدرضا آذرنگ که اسم قشنگ اما کاملا بی ربطی دارد، بشدت دوپاره است. با دو لحن متفاوت و در آخر پایانی که ساختار دیگری دارد.

پاره اول داستان یک خانواده آبادانی را روایت می کند که هریک دغدغه های خودشان را دارند. تقریبا نیمی از فیلم به این خانواده می پردازد که ناگهان بدون زمینه چینی مناسب اتفاق اصلی می افتد و فیلم به پاره دوم پرتاب می شود. اینجا با فضایی کاملا متفاوت و موقعیتی سوررئال طرف هستیم. منهای حضور همان شخصیت ها، این دو پاره به هیچ وجه به هم نمی چسبند و مشکل بزرگ فیلمی که شخصیت پردازی درست و درمانی دارد، همین است.

بازی همه بازیگران خوب است. بخصوص الهام شفیعی.

«تی تی» (آیدا پناهنده)

«تی‌تی» در کارنامه سینمایی آیدا پناهنده بهترین فیلم اوست. عاشقانه ای درجه یک با خلق یک شخصیت منحصر به فرد در سینمای ایران: «تی‌تی» با نقش آفرینی معرکه الناز شاکردوست.

اگر نویسندگان فیلمنامه دلیلی قانع کننده تر از پیدا کردن کاغذها (فرمول ها) برای برقراری ارتباط بین ابراهیم و تی‌تی پیدا می کردند، با یکی از بهترین فیلم های عاشقانه سینمای ایران طرف بودیم. همیشه مثلث عشقی در سینما جواب داده است و اینجا هم به کمک داستان آمده است و البته شاید از معدود دفعاتی باشد که این مثلث به سرانجام نمی رسد و با توجه به شخصیت ها و موقعیت شان در قصه، شاید از معدود دفعاتی باشد که نویسندگان چاره دیگری جز پایان بندی فعلی نداشته اند.

«گیجگاه» (عادل تبریزی)

با اینکه اولین ساخته عادل تبریزی روایتی شلخته دارد، اما تنها نقطه امید جشنواره همین فیلم بود. سرخوشی و شوخ و شنگی که حاکم بر روح فیلم است، دیدن آن را تا پایان قابل تحمل می کند. نوستالژی سینمای ایران در دهه شصت و هفتاد تا حدودی در فیلم جواب داده است. سکانس های دونفره حامد بهداد و باران کوثری دیدنی است. بخصوص سکانس اتومبیل و روشن نشدنش.

«روشن» (روح الله حجازی)

سوال من از روح الله حجازی که همچنان دو فیلم «زندگی خصوی آقا و خانم میم» و «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» - که در آن ها طرح مسئله می کرد و قضاوت را به بیننده می‌سپرد - را دوست دارم این است: بدبختی، بیچارگی و درماندگی کاراکتری منفعل و بدون ذره ای جذابیت، چرا باید برای تماشاگر دیدنی باشد؟ تماشاگری که تمام و کمال حق را به همسر روشن می دهد، چرا در انتها باید دلش برای او بسوزد؟ آقای حجازی، طرح مسئله ات در این فیلم چیست؟ تماشاگر پس از تماشای فیلم چه چیزی عایدش می شود؟ اینکه برای روشن چاره‌ای جز این وجود نداشت؟!

***

نرگس آبیار که گفت بسوزید و بسازید و دم نزنید. روح الله حجازی که رسما می گوید بسوزیم. مهدویان می گوید باید رفت. فرنوش صمدی هم که با خودکشی شروع می کند، با مرگ به اوج می‌رساند و با مرگ خودخواسته تمام می کند.

محسن قرایی هم همینطور. مرگ خودخواسته را ترجیح می‌دهد. حمیدرضا آذرنگ هم که دسته جمعی می کشد. ارسلان امیری ناخواسته می کشد. اینها پایان بندی هشت فیلم از ده فیلمی بود که دیدم. سینمای ما به کجا می‌رود؟! یک نقطه امیدبخش در فیلم های امسال نبود. یادمان رفته که مخاطبان این فیلم ها بیشتر از هر وقت دیگری تحت فشار اقتصادی هستند. آن ها با دیدن این فیلم ها حالشان بد و بدتر خواهد شد. فکر می کنید با دیدن سکانس سخنرانی رضا عطاران در مهمانی باغ در فیلم «شیشلیک»، مخاطب باید بخندد؟ آن سکانس با اینکه خنده مهمانان را به همراه دارد، گریه دارترین سکانس جشنواره بود.

سینمای ایران باید به خودش بیاید. «امید» کلمه ای است که در فیلمنامه حداقل این ده فیلمی که دیدم جایی نداشت. امیدوارم سینماگران ما به خودشان بیایند. درست است که آن‌ها از مردم هستند و قطعا آن‌ها هم حالشان خوب نیست، اما هنرمند نسبت به مخاطب متعهد است. «امید» باید به فیلمنامه‌ها تزریق شود. برخی از فیلم های جشنواره امسال در دوران شیوع کرونا ساخته شده اما دریغ از نگاه یک فیلمساز به مسئله «کرونا». موضوعی مهم و به شدت سینمایی که می‌توانست در حافظه تاریخ ثبت شود.

«یدو» فاتح ایستگاه سی و نهم

اسامی کامل برگزیدگان سی و نهمین جشنواره فیلم فجر

بهترین فیلم به انتخاب تماشاگران:
ابلق (به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی)
رده های بعدی:
۲ - بی همه چیز ۳- شیشلیک

بهترین فیلم از نگاه ملی:
تک تیرانداز (به کارگردانی علی غفاری)

بهترین فیلم:
یدو (به تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح)
دیگر نامزدها:
ابلق (به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی)
بی همه چیز (به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی)
زالاوا (به تهیه‌کنندگی روح‌اله برادری و سمیرا برادری)

بهترین کارگردانی:
مهدی جعفری (یدو)
جایزه ویژه هیات داوران: محسن قرایی (بی‌همه‌چیز)
دیگر نامزدها:
- نرگس آبیار (ابلق)
- ارسلان امیری (زالاوا)
- محسن قرایی (بی همه چیز)

بهترین کارگردان اول:
ارسلان امیری (زالاوا)
دیپلم افتخار: حسین دارابی (مصلحت)
دیگر نامزدها:
- حمیدرضا آذرنگ (روزی روزگاری آبادان)
- آرش انیسی (مامان)
- عادل تبریزی (گیج‌گاه)

بهترین فیلمنامه ارژینال:
ارسلان امیری، آیدا پناهنده، تهمینه بهرام (زالاوا)
دیگر نامزدها:
- آرش انیسی (مامان)
- آیدا پناهنده، ارسلان امیری (تی‌تی)

بهترین فیلمنامه اقتباسی:
محسن قرایی، محمد داودی (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:
- حمیدرضا آذرنگ (روزی روزگاری آبادان)
- مهدی جعفری، مهین عباس‌زاده (یدو)

بهترین نقش اصلی مرد:
رضا عطاران (روشن)
دیگر نامزدها:
- پرویز پرستویی (بی همه چیز)
- نوید پورفرج (زالاوا)
- محسن تنابنده (روزی روزگاری آبادان)
- میلاد صویلوی (یدو)
- امیر نوروزی (مامان)

بهترین نقش اصلی زن:
رویا افشار (مامان)
دیپلم افتخار: ستاره پسیانی (یدو)
دیگر نامزدها:
- الناز حبیبی (رمانتیسم عماد و طوبا)
- ملیسا ذاکری (ستاره بازی)
- الناز شاکردوست (ابلق)
- نازنین فراهانی (مصلحت)

بهترین نقش مکمل مرد:
پوریا رحیمی‌سام (زالاوا)
دیگر نامزدها:
- عرفان ابراهیمی (مامان)
- پژمان جمشیدی (شیشلیک)
- وحید رهبانی (مصلحت)
- پدرام شریفی (بی همه چیز)

بهترین نقش مکمل زن:
گلاره عباسی (ابلق)
دیگر نامزدها:
- آزیتا حاجیان (خط فرضی)
- الهام شفیعی (روزی روزگاری آبادان)
- گیتی معینی (ابلق)

بهترین فیلمبرداری:
مرتضی نجفی (یدو - روشن)
دیپلم افتخار: محمد رسولی (زالاوا)
دیگر نامزدها:
- مسعود سلامی (روزی روزگاری آبادان)
- فرشاد محمدی (تی‌تی)
- مرتضی هدایی (بی همه چیز)

بهترین موسیقی متن:
حامد ثابت (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:
- پیام آزادی (رمانتیسم عماد و طوبا)
- بامداد افشار (یدو)
- علیرضا افکاری (تی‌تی)
- فردین خلعتبری (مصلحت)

بهترین تدوین:
عماد خدابخش (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:
- عماد خدابخش (گیج‌گاه)
- سیاوش کردجان (مصلحت)
- میثم مولایی (یدو)

بهترین چهره‌پردازی:
ایمان امیدواری (ابلق)
دیگر نامزدها:
- شهرام خلج (شیشلیک)
- رکسانا صفوی (ستاره بازی)
- عباس عباسی (یدو)

بهترین طراحی لباس:
مارال جیرانی (بی‌همه‌چیز)
دیگر نامزدها:
- بهزاد جعفری طادی و محمدحسین کرمی (شیشلیک)
- بهزاد جعفری طادی (مصلحت)
- محمدحسین کرمی (زالاوا)

بهترین طراحی صحنه:
سهیل دانش اشراقی (روزی روزگاری آبادان)
دیگر نامزدها:
- بهزاد جعفری طادی (مصلحت)
- سهیل دانش اشراقی (روشن)
- محمدرضا شجاعی (ابلق)
- آیدین ظریف (یدو)
- امیرحسین قدسی (بی همه چیز)

بهترین صداگذاری:
امیرحسین قاسمی (یدو)
دیگر نامزدها:
- حسین ابوالصدق (تک تیرانداز)
- بهمن بنی‌اردلان (روزی روزگاری آبادان)
- علیرضا علویان (بی همه چیز)
- امیرحسین قاسمی (زالاوا - خط فرضی)

بهترین صدابرداری:
رشید دانشمند (یدو)
دیگر نامزدها:
- طاهر پیشوایی (ابلق)
- رشید دانشمند (زالاوا)
- هادی ساعد محکم (شیشلیک)
- شهرام متولی باشی (تک تیرانداز)
- امین میرشکاری (بی همه چیز)

بهترین جلوه‌های ویژه بصری (CGI):
فرید ناظرفصیحی (ابلق)
دیگر نامزدها:
- محمد برادران (منصور)
- جواد مطوری (بی همه چیز)

بهترین جلوه‌های ویژه میدانی:
ایمان کرمیان (یدو)
دیگر نامزدها:
- آرش آقابیگ (روشن)
- ایمان کرمیان (تک تیرانداز)

بهترین فیلم مستند:
کودتای ۵۳ (تقی امیرانی)
دیگر نامزدها:
- ایساتیس (علیرضا دهقان)
- خانه (افسانه سالاری)
- رویاهای خالکوبی شده (مهدی گنجی)
- هجده هزار پا (مهدی شامحمدی)

بهترین فیلم کوتاه:
وضعیت اورژانسی (مریم اسمی خانی)
دیگر نامزدها:
- جلد (احسان معجونی)
- ناهید (صمد علیزاده)
- ماسک (نوا رضوانی)
- گوشت تلخ» (فرید حاجی)
- شاهد»، علی عسگری

***

بهترین تیزر و آنونس:
شنای پروانه (حمید نجفی‌راد)

بهترین پوستر:
هفت و نیم (وحید عبدالحسینی)

بهترین عکس:
خورشید (سحاب زری‌باف)

نویسندگان «برش های کوتاه» به روایت تصویر

وحید فرازان

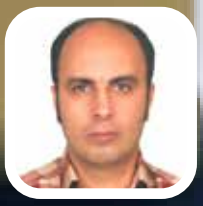
احمد شاهوند

شادی حاجی مشهدی

مجتبی اردشیری

علی نعیمی

مرسده مقیمی

نیما بهدادی مهر

سید حسام فروزان

محمد بزرگ

شبیر نعلبندیان

بی همه چیز ..... (محسن قرایی)

یک اقتباس خوش ساخت ...

■ احمد شاهوند

محسن قرایی با دومین فیلمش «بی همه چیز» تمام و کمال از زیر سایه سعید روستایی (فیلمنامه نویس «سد معبر») بیرون می آید و نشان می دهد که از این به بعد می توان روی او حساب ویژه ای هم در کارگردانی و هم در فیلمنامه نویسی باز کرد.
نقطه قوت فیلمنامه (اسکلت اصلی و ساختار) وابسته به نمایشنامه «ملاقات با بانوی سالخورده» نوشته فردیش دورنمات است. ناکجاآبادی که در فیلم خلق شده هیچ شباهتی به هیچ برهه تاریخی ایران ندارد و مردمانش جز فارسی صحبت کردن، هیچ نشانی از ایرانی بودن ندارند. اگر موارد گفته شده را کنار بگذاریم، با فیلمنامه ای پر و پیمان طرفیم که داستانش را بی لکنت تعریف می کند. مهم‌ترین نکته مثبت فیلمنامه «بی همه چیز» اضافه شدن شخصیت «نوری» است. کسی که مهم‌ترین نقش را در فصل نهایی فیلم بر عهده دارد.
از فیلمنامه که بگذریم، کارگردانی محسن قرایی به شدت چشمگیر است. یک کارگردانی سرحال و تحسین برانگیز که یکی دو پله سخت تر از «سد معبر» (که انصافا کارگردانی خیلی خوبی داشت) است. قرایی نشان می دهد که کار با تعداد زیادی ستاره و انبوهی نقش های فرعی را به خوبی بلد است. با شروع فیلم، ناخودآگاه یاد کارگردانی استادانه عیاری در برخی فصل های پربازیگر فیلم «روز باشکوه شهر کوچک» (۱۳۶۷) افتادم که همچنان بعد از مشاهده های پی در پی تازگی دارد و آدم را به وجد می آورد.
پرویز پرستویی، هدیه تهرانی و هادی حجازی فر همانی هستند که باید باشند. سرحال، جذاب و قبراق که از همان پلان اول نقش را مال خود کرده اند. مهتاب نصیرپور با اینکه فرصتی برای خودنمایی برایش نبوده، اما او هم همانی است که ازش انتظار می رود. باران کوثری اما ریسک بزرگی کرده است. گریم وحشتناکی روی صورتش دارد و تمام تلاشش این است که بتواند شخصیت «نوری» را میان شخصیت های مهم فیلمنامه برجسته کند و موفق هم شده است.
موسیقی اکسترال حامد ثابت با اینکه گوشنواز است و مشخص است که زحمت زیادی برایش کشیده شده، اما بشدت بر نماهای فیلم سنگینی می کند و به هیچ کدام از نماها نمی چسبد. گویی موسیقی متعلق به جهان دیگری است.
فیلم، چند نمای اسلوموشن دارد که منهای یکی از آن ها (پیاده شدن لی‌لی از قطار) بقیه هیچ کارکردی ندارند و نمایشی هستند. مثل نمای اسلوموشن از وسایل به طناب آویزان شده مغازه امیر یا نماهای آمدن نسرین (مهتاب نصیرپور) برای التماس به لی‌لی. یا حتی رفتن دختر امیر از روستا که بی شک قرار بوده قرینه باشد با نمای آمدن لیلی به روستا که در جای درستی استفاده نشده‌متاسفانه.
از اینها که بگذریم، «بی همه چیز» فیلم خوب و خوش ساختی است که نشان می دهد پس از «خسته نباشید» (ساخته مشترک قرایی و افشین هاشمی) و «سد معبر» باید منتظر سومین ساخته مستقل محسن قرایی بمانیم.

سر و شکل خوب

■ وحید فرازان

در سینمای ایران معمولا اقتباس از آثار ادبی اعم از داستان کوتاه، رمان یا نمایشنامه خیلی کم اتفاق می‌افتد و اگر هم گاه‌گداری اقتباسی صورت بگیرد، فیلم ساخته شده نسبت به اصل اثر یکی دو پله پایین‌تر است.
فیلم «بی همه چیز» - که با توجه به معنای نامناسب این اصطلاح / فحش در میان مردم فارسی‌زبان اسم مناسبی برای یک فیلم نیست و احتمالا در نمایش عمومی تغییر خواهد کرد - با اقتباس از نمایشنامه معروف «ملاقات بانوی سالخورده» فریدریش دورنمات سوئیسی ساخته شده است. از آنجایی که نویسندگان فیلمنامه نمی‌توانستند خیلی از شخصیت‌ها و وقایع نمایشنامه دورنمات را در فیلمنامه‌شان جای دهند، طبق معمول برچسب «اقتباس آزاد» را به آن زده‌اند.
مثلاً نمی‌توانستند شخصیت اصلی نمایش دورنمات را با همان مشخصات اصلی/ فردی کلارا (اینجا لی‌لی خانم) آداپته کنند - به عنوان یک روسپی موفق در شهر - یا یکی از کاراکترهای نمایشنامه دورنمات کشیش شهر گولن است که در داستان نمایش موثر است و نوعی حلقه ارتباط بین مردم با آلفرد (اینجا امیرخان) است؛ ولی در روستای محل وقوع فیلم حاضر ما هیچ آخوندی را نمی‌بینیم و جای خالی‌اش- و قضاوت او - در میان یک روستای ایرانیِ دهه سی و چهل سخت احساس می‌شود.
به نظرم داستان فیلم در مختصات جغرافیایی روستاهای دهه سی و چهل ایران جا نمی‌گیرد و اتمسفر روستا بیشتر اروپایی است تا خاورمیانه‌ای.
اما سر و شکل فیلم «بی‌همه چیز» خوب است. از فیلمبرداری گرفته تا موسیقی‌اش. کارگردانی معقولی دارد، اما در بازی بازیگران فیلم چیز فوق‌العاده‌ای ندیدم.
در اینجا بد نیست یادی کنم از استاد فقید حمید سمندریان که اجرای او از این نمایشنامه‌ی دورنمات بهترین اجرای صحنه‌ای در ایران بوده و در یاد خیلی از عشاق هنرهای نمایشی باقی مانده است.

زالاوا ..... (ارسلان امیری)

افکار جن‌زده!

■ محمد بزرگ

با شروع فیلم متنی را روی پرده سینما مشاهده می‌کنیم «داستان فیلم واقعی است بخصوص بخش ترسناکش»
تمام تلاش نویسندگان این اثر برای داستان‌گویی که موفقیت‌آمیز هم هست و فیلمِ به‌خوبی برای مخاطب قصه می‌گوید، ترساندن مخاطب نیست هرچند که از عناصری که معمولاً فیلم‌های ژانر هارور استفاده می‌کنند سود می‌برد، اما نکته ترسناک درون‌مایه و تماتیکی است که به باورهای خرافه گونه اشاره دارد. «درگذشته و سال‌های دور اگر کسی بیماری طاعون می‌گرفت او را به جرم هم‌نشینی با شیطان آتش می‌زدند»
فیلم تقابل قهرمان و ضدقهرمان را در پیرنگ سه‌پرده‌ای فیلم به نمایش می‌گذارد، استوار با بازی درخشان نوید پورفرج که نوید ظهور یک ستاره در سینمای ایران است باید برای مقابله با جن و افکار جن‌زده روستا و همچنین همکاران بی تعهد خود مسیر پر ماجرایی را طی کند و آمردان ضدقهرمانی است که مورداطمینان مردم روستا است. تقابل و تناظر این دو در سایه عشقی که استوار به خانم دکتر جوان روستا دارد، پدید آورنده درام است که مخاطب پیوند خود با اثر را همراه با دلهره و تشویش طی می‌کند و باید به عوامل سازنده فیلم که راه سختی را برای ساخت چنین اثری پشت سر گذاشتند خسته نباشید گفت. سینمای ما به شدت به ساخت این‌گونه ژانرها برای تنوع دادن به سینما و خارج کردن از فضای آپارتمانی تهران نیاز دارد.

روزی روزگاری آبادان ..... (حمیدرضا آذرنگ)

جمع و جور

■ وحید فرازان

خانواده پنج نفری «مصیب» در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند، اما به دلیلِ حالِ بدِ مصیب که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است کشمکشی میان آن‌ها در می‌گیرد و در اوجِ تلاش «خیری» مادر خانواده برای به آرامش رساندن خانواده؛ به ناگاه اتفاقی غیرمنتظره همه آن‌ها را غافلگیر می‌کند (ویکی‌پدیا)
فیلمی جمع و جور و با شخصیت‌های اندک و وحدت مکان، که بیشتر تداعی‌گر تله‌تئاتر است تا فیلم سینمایی. قالب نمایشنامه و تئاتر هم تماشاگر خاص خود را دارد، که معمولا حوصله بیشتر دارند و توقع کمتر، البته نسبت به تماشاگر فیلم سینمایی که تنوع‌طلب است و دنبال هیجان.
فیلم با مقدمه‌ای چهل دقیقه‌ای شروع می‌شود! که تا حدودی با شخصیت‌ها آشنا می‌شویم: با اختلاف‌ها، آرزوها، عشق‌ها و کشش‌ها و کوشش‌ها و بعد از چهل دقیقه - تقریبا نیمه اول فیلم - با چهل دقیقه دیگر فیلم مواجه می‌شویم که بیشتر شکلی سورئال کمدی دارد و تا حدودی داستان فیلم هم در همان ابتدای نیمه‌دوم لو می‌رود.
در این میان بازی دو بازیگر خوب سینما و تلویزیون یعنی معتمدآریا و تنابنده هم چندان چنگی به دل نمی‌زند و باقی بازیگران هم که جوان و نوجوان هستند و احتمالا تجربه اول ایشان.